

ازدواج به سبک غیر ایرانی !

لطفا خودتان را معرفی کنید.

آقا : من ینارده هستم از جاکارتا شهری در شمال اندونزی با آب و هوای همیشه بهاری
خانم : من فتریا از کالیمانتان اندونزی هستم .

شغل شما در اندونزی چه بود ؟

آقای ینارده : من در دانشگاه نفت ، مهندس عمران خواندم و بیشتر با سنگ سر و کار داشتم .

از خانواده خود بگویید .

آقای ینارده : ما پنج نفر هستیم دو برادر یک خواهر ، پدر و مادر

خانم فتریا : ما هفت نفر هستیم

بعد از شیعه شدن ، رفتار خانواده شما چگونه بود ؟

خانم فتریا : بعضی ها خوب و صمیمی بودند چون کاری به اسلام ناب نداشتند . اما بعضی ها نیز دوست ندارند.

چگونه با هم آشنا شدید ؟

آقا ینارده : در آن زمان به خانه عموی همسر رفته بودم که ایشان را دیدم . آنجا از عمویشان پرسیدم که این خانم کیست ؟ او هم گفت برادرزاده ام هست که در ایران درس می خواند. آن موقع مذهب برایم مهم نبود به همین خاطر از عمو پرسیدم : آیا می توانید برای من هماهنگی کنید ؟ ایشان هم قبول کردند . البته بعد ، خانم به ایران برگشت اما من با پدرشان صحبت کردم و ایشان را خاستگاری کردم .

چگونه با هم آشنا شدید ؟

خانم فتریا : ما تلفنی عقد کردیم در آن زمان من ایران بودم و ایشان چند سال بعد به اینجا آمدند .

چند سال است که ازدواج کردید ؟

آقای یونارده :حدود 7 سال

مهریه شما چقدر است؟

خانم فتریا : مهریه ما مثل ایرانی ها نیست

آقای یونارده : وسائل نماز , کتاب و کمی پول یا طلا که من 100 هزار تومن پول دادم + 10 گرم طلا

از فرزندانان بگوئید .

خانم فتریا : پسر اسمش محمد حسین است و یک سال و چهار ماه عمر دارد .

آقای یونارده : دوست داریم که خدا 2 یا 3 فرزند دیگر هم به ما بدهد.

اسلام ناب به زندگی زناشویی شما چه کمکی می کند ؟

آقای یونارده : ما اخلاق اهل البیت در خانواده را می خوانیم وتلاش می کنیم که در زندگی هم پیاده کنیم . مثلا خود من در خانه به همسر کمک می کنم . ظرف می شویم , آشپزی هم می کنم .

خانم فتریا : من هم در درس خواندن به همسر کمک می کنم.